

مثل عُمالِ الكرَم

¹فَإِنَّ مَلَكَوَتِ السَّمَاوَاتِ يُشَبِّهُ رَجُلًا، رَبَّ بَيْتٍ، خَرَجَ مَعَ الصُّبْحِ لِيَسْتَأْجِرَ فَعَلَةً لِكَرْمِهِ. ²فَاتَّفَقَ مَعَ الْفَعَلَةِ عَلَى دِيْنَارٍ فِي الْيَوْمِ وَأُرْسَلَهُمْ إِلَى كَرْمِهِ. ³ثُمَّ خَرَجَ تَحَوُّ السَّاعَةِ الثَّالِثَةِ وَرَأَى آخِرِينَ قِيَامًا فِي السُّوقِ بَطَّالِينَ، ⁴فَقَالَ لَهُمْ: اذْهَبُوا أَنْتُمْ أَيْضًا إِلَى الْكَرْمِ فَأَعْطِيكُمْ مَا يَحِقُّ لَكُمْ، فَمَضَوْا. ⁵وَخَرَجَ أَيْضًا تَحَوُّ السَّاعَةِ السَّادِسَةِ وَالثَّاسِعَةِ وَفَعَلَ كَذَلِكَ. ⁶ثُمَّ تَحَوُّ السَّاعَةِ الْخَادِيَةِ عَشْرَةَ خَرَجَ وَوَجَدَ آخِرِينَ قِيَامًا بَطَّالِينَ، فَقَالَ لَهُمْ: لِمَاذَا وَقُفْتُمْ هَهُنَا كُلَّ النَّهَارِ بَطَّالِينَ؟ قَالُوا لَهُ: لِأَنَّهُ لَمْ يَسْتَأْجِرْنَا أَحَدٌ. قَالَ لَهُمْ: اذْهَبُوا أَنْتُمْ أَيْضًا إِلَى الْكَرْمِ فَتَأْخُذُوا مَا يَحِقُّ لَكُمْ. ⁸فَلَمَّا كَانَ الْمَسَاءُ قَالَ صَاحِبُ الْكَرْمِ لَوَكِيلِهِ: ادْعُ الْفَعَلَةَ وَأَعْطِهِمْ الْأُجْرَةَ مُتَدِنًا مِنَ الْآخِرِينَ إِلَى الْأَوَّلِينَ. ⁹فَجَاءَ أَصْحَابُ السَّاعَةِ الْخَادِيَةِ عَشْرَةِ وَأَخَذُوا دِينَارًا دِينَارًا. ¹⁰فَلَمَّا جَاءَ الْأَوَّلُونَ طُفُّوا أَنَّهُمْ يَأْخُذُونَ أَكْثَرَ، فَأَخَذُوا هُمْ أَيْضًا دِينَارًا. ¹¹وَفِيمَا هُمْ يَأْخُذُونَ تَدَمَّرُوا عَلَى رَبِّ الْبَيْتِ ¹²قَائِلِينَ: هَؤُلَاءِ الْآخِرُونَ عَمِلُوا سَاعَةً وَاحِدَةً وَقَدْ سَاوَيْنَاهُمْ بِنَا تَحْنُ الَّذِينَ احْتَمَلْنَا ثِقَلَ النَّهَارِ وَالْحَرِّ. ¹³فَجَاوَبَ وَقَالَ لِرِجَالِهِ مِنْهُمْ: يَا صَاحِبُ، مَا ظَلَمْنَاكَ. أَمَا اتَّفَقْتَ مَعِيَ عَلَى دِينَارٍ؟ ¹⁴فَقَدْ أَخَذَ الَّذِي لَكَ وَإِذْهَبْ، فَإِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُعْطِيَ هَذَا الْآخِرَ مِثْلَكَ. ¹⁵أَوْ مَا يَحِلُّ لِي أَنْ أَفْعَلَ مَا أُرِيدُ بِمَالِي؟ أَمْ عَيْنُكَ شَرِيرَةٌ لِأَنِّي أَنَا صَالِحٌ؟ ¹⁶هَكَذَا يَكُونُ الْآخِرُونَ أَوَّلِينَ وَالْأَوَّلُونَ آخِرِينَ، لِأَنَّ كَثِيرِينَ يُدْعَوْنَ وَقَلِيلِينَ يُسْتَحْبَبُونَ.

يسوع يُنَبِّئُ بِقَتْلِهِ وَقِيَامَتِهِ مَرَّةً ثَالِثَةً

¹⁷وَفِيمَا كَانَ يَسُوعُ صَاعِدًا إِلَى أُورُشَلِيمَ أَخَذَ الْإِسْتِي عَشَرَ تَلْمِيزًا عَلَى الْإِهْرَادِ فِي الطَّرِيقِ وَقَالَ لَهُمْ: ¹⁸هَآ تَحْنُ صَاعِدُونَ إِلَى أُورُشَلِيمَ وَابْنُ الْإِنْسَانِ يُسَلَّمُ إِلَى رُؤَسَاءِ الْكَهَنَةِ وَالْكَتَبَةِ، فَيَحْكُمُونَ عَلَيْهِ بِالْمَوْتِ، ¹⁹وَيُسَلَّمُونَهُ إِلَى الْأَمَمِ لِكَيْ يَهْرَأُوا بِهِ وَيَجْلِدُوهُ وَيَصْلُبُوهُ، وَفِي الْيَوْمِ الثَّالِثِ يَقُومُ.

يسوع يمدح الخادم

²⁰جَبِيذٌ تَقَدَّمَتْ إِلَيْهِ أُمُّ ابْنِي رَيْدِي مَعَ ابْنَتَيْهَا وَسَجَدَتْ وَطَلَبَتْ مِنْهُ سَيْنًا. ²¹فَقَالَ لَهَا: مَاذَا تُرِيدِينَ؟ قَالَتْ لَهُ: قُلْ أَنْ يَجْلِسَ ابْنَايَ هَذَانِ وَاحِدٌ عَنْ يَمِينِكَ وَالْآخَرُ عَنِ الْيَسَارِ فِي مَلَكَوَتِكَ. ²²فَأَجَابَ يَسُوعُ وَقَالَ: لَسْتُ مَعَا تَعْلَمَانِ مَا تَطْلُبَانِ. أَتَسْتَطِيعَانِ أَنْ تَشْرَبَا الْكَاسَ الَّتِي

کارگران تاکستان

¹زیرا ملکوت آسمان صاحب خانه‌ای را ماند که بامدادان بیرون رفت تا عمله بجهت تاکستان خود به مزد بگیرد. ²پس با عمله، روزی یک دینار قرار داده، ایشان را به تاکستان خود فرستاد. ³و قریب به ساعت سوم بیرون رفته، بعضی دیگر را در بازار بیکار ایستاده دید. ⁴ایشان را نیز گفت: شما هم به تاکستان بروید و آنچه حق شما است به شما می‌دهم. پس رفتند. ⁵باز قریب به ساعت ششم و نهم رفته، همچنین کرد. ⁶و قریب به ساعت یازدهم رفته، چند نفر دیگر بیکار ایستاده یافت. ایشان را گفت: از بهر چه تمامی روز در اینجا بیکار ایستاده‌اید؟ گفتندش، هیچ کس ما را به مزد نگرفت. بدیشان گفت، شما نیز به تاکستان بروید و حق خویش را خواهید یافت. ⁸و چون وقت شام رسید، صاحب تاکستان به ناظر خود گفت: مزدوران را طلبیده، از آخرین گرفته تا اولین مزد ایشان را ادا کن. ⁹پس یازده ساعتیان آمده، هر نفری دیناری یافتند. ¹⁰و اولین آمده، گمان بردند که بیشتر خواهند یافت. ولی ایشان نیز هر نفری دیناری یافتند. ¹¹اما چون گرفتند، به صاحب خانه شکایت نموده، ¹²گفتند که: این آخرین، یک ساعت کار کردند و ایشان را با ما که متحمل سختی و حرارت روز گردیده‌ایم مساوی ساخته‌ای؟ ¹³او در جواب یکی از ایشان گفت: ای رفیق، بر تو ظلمی نکردم. مگر به دیناری با من قرار ندادی؟ ¹⁴حق خود را گرفته برو. می‌خواهم بدین آخری مثل تو دهم. ¹⁵آیا مرا جایز نیست که از مال خود آنچه خواهم بکنم؟ مگر چشم تو بد است از آن رو که من نیکو هستم؟ ¹⁶بنابراین اولین آخرین و آخرین اولین خواهند شد، زیرا خوانده شدگان بسیاریند و برگزیدگان کم.

دومین پیشگویی درباره مرگ و قیام عیسی

¹⁷و چون عیسی به اورشلیم می‌رفت، دوازده شاگرد خود را در اثنای راه به خلوت طلبیده بدیشان گفت: ¹⁸اینها، به سوی اورشلیم می‌رویم و پسر انسان به رؤسای کهنه و کاتبان تسلیم کرده خواهد شد و حکم قتل او را خواهند داد، ¹⁹و او را به امت‌ها خواهند سپرد تا او را استهزا کنند و تازیانه زنند و مصلوب نمایند و در روز سوم خواهد برخاست.

خدمت کردن بجای ریاست

²⁰ آنگاه مادر دو پسر زیدی با پسران خود نزد وی آمده و پرستش نموده، از او چیزی درخواست کرد.²¹ بدو گفت: چه خواهش‌داری؟ گفت: بفرما تا این دو پسر من در ملکوت تو، یکی بر دست راست و دیگری بر دست چپ تو بنشینند.²² عیسی در جواب گفت: نمی‌دانید چه می‌خواهید. آیا می‌توانید از آن کاسهای که من می‌نوشم، بنوشید و تعمیدی را که من می‌یابم، بیابید؟ بدو گفتند: می‌توانیم.²³ ایشان را گفت: البته از کاسه من خواهید نوشید و تعمیدی را که من می‌یابم، خواهید یافت. لیکن نشستن به دست راست و چپ من، از آن من نیست که بدهم، مگر به کسانی که از جانب پدرم برای ایشان مهیا شده است.²⁴ اما چون آن ده شاگرد شنیدند، بر آن دو برادر به دل رنجیدند.²⁵ عیسی ایشان را پیش طلبیده، گفت: آگاه هستید که حکام امت‌ها بر ایشان سروری می‌کنند و رؤسا بر ایشان مسلطند.²⁶ لیکن در میان شما چنین نخواهد بود، بلکه هر که در میان شما می‌خواهد بزرگ گردد، خادم شما باشد.²⁷ و هر که می‌خواهد در میان شما مقدم بود، غلام شما باشد.

²⁸ چنانکه پسر انسان نیامد تا مخدوم شود، بلکه تا خدمت کند و جان خود را در راه بسیاری فدا سازد.

شفای دو کور توسط عیسی

²⁹ و هنگامی که از آریحا بیرون می‌رفتند، گروهی بسیار از عقب او می‌آمدند.³⁰ که ناگاه دو مرد کور کنار راه نشست، چون شنیدند که عیسی در گذر است، فریاد کرده، گفتند: خداوندا، پسر داودا، بر ما ترجم کن!³¹ و هر چند خلق ایشانرا نهیب می‌دادند که خاموش شوند، بیشتر فریادکنان می‌گفتند: خداوندا، پسر داودا، بر ما ترجم فرما!³² پس عیسی ایستاده، به آواز بلند گفت: چه می‌خواهید برای شما کنم؟³³ به وی گفتند: خداوندا، اینکه چشمان ما باز گردد! پس عیسی ترجم نموده، چشمان ایشان را لمس نمود که در ساعت بینا گشته، از عقب او روانه شدند.

سَوْفَ أَشْرِبُهَا أَتَا، وَأَنْ تَصْطَلِعَا بِالصَّبْعَةِ الَّتِي أَصْطَلِعُ بِهَا أَنَا؟ قَالَا لَهُ: نَسْتَطَلِعُ.²³ فَقَالَ لَهُمَا: أَمَّا كَأْسِي فَتَشْرَبَانِيهَا وَبِالصَّبْعَةِ الَّتِي أَصْطَلِعُ بِهَا أَنَا تَصْطَلِعَانِ. وَأَمَّا الْجُلُوسُ عَنْ يَمِينِي وَعَنْ يَسَارِي فَلَيْسَ لِي أَنْ أُعْطِيَهُ إِلَّا لِلَّذِينَ أُعِدُّ لَهُمْ مِنْ أَبِي.²⁴ فَلَمَّا سَمِعَ الْعَشْرَةُ اغْتَاظُوا مِنْ أَجْلِ الْآخَوَيْنِ.²⁵ فَدَعَاهُمُ يَسُوعُ وَقَالَ: أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ أَنَّ رُؤَسَاءَ الْأُمَمِ يَسُودُونَهُمْ وَالْعُظَمَاءُ يَسَلْطُونَ عَلَيْهِمْ.²⁶ فَلَا يَكُونُ هَكَذَا فِيكُمْ. بَلْ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ فِيكُمْ عَظِيمًا فَلْيَكُنْ لَكُمْ خَادِمًا،²⁷ وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ فِيكُمْ أَوَّلًا فَلْيَكُنْ لَكُمْ عَبْدًا.²⁸ كَمَا أَنَّ ابْنَ الْإِنْسَانِ لَمْ يَأْتِ لِيُخْدَمَ بَلْ لِيُخْدَمَ، وَلِيُبْدِلَ نَفْسَهُ فِدْيَةً عَنْ كَثِيرِينَ.

یسوع یشفی کفیفین فی آریحا

²⁹ وَفِيمَا هُمْ خَارِجُونَ مِنْ أَرِيحَا تَبِعَهُ جَمْعٌ كَثِيرٌ. وَإِذَا أَعْمَيَانِ جَالِسَانِ عَلَى الطَّرِيقِ، فَلَمَّا سَمِعَا أَنَّ يَسُوعَ مُجْتَازٌ صَرَخَا قَائِلَيْنِ: اِرْحَمْنَا، يَا سَيِّدُ، يَا ابْنَ دَاوُدَ.³¹ فَاتْتَهَرَهُمَا الْجَمْعُ لِيَسْكُنَا، فَكَاتَا يَصْرَخَانِ أَكْثَرَ قَائِلَيْنِ: اِرْحَمْنَا، يَا سَيِّدُ، يَا ابْنَ دَاوُدَ.³² فَوَقَفَ يَسُوعُ وَتَوَادَاهُمَا وَقَالَ: مَاذَا تُرِيدَانِ أَنْ أَفْعَلَ بِكُمَا؟³³ قَالَا لَهُ: يَا سَيِّدُ، أَنْ تَنْفِتِحَ أَعْيُنَنَا. فَتَحَنَّنَ يَسُوعُ وَلَمَسَ أَعْيُنَهُمَا فَلَمَّوْهُمَا أَبْصَرَتْ أَعْيُنُهُمَا فَتَبِعَاهُ.